

چهره آینده
محمد عطریان فرتهدید عراقچی
اتهام باقر خرازی به وزیر امور خارجه

سیاست

۳ افق

زده و خورده در تنگه
آتش بس شکست؟

۵ تماشا

خانه خراب
اجاره نشین ها ۴۰ ساله شد

اولین دیدار

گزارش رئیس‌جمهور از دیدار با رهبر انقلاب



سرمقاله

سفر ترامپ به پکن
و معادلات جدید قدرتنقش آفرینی چین در خاور میانه
و پیامدهای آن برای نظم جهانی

سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگران سازندگی ایران

سفر ترامپ در ماه مه به پکن و ملاقات‌هایی که قرار است میان او و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، انجام شود از وقایع مهم این ایام است. دلیل اهمیت این دیدار نیز به جایگاه دو کشور در اقتصاد و امنیت جهانی همچنین رقابت‌های میان آنها برمی‌گردد.

چین در حدود ۵۰ سال گذشته با سیاست‌های خردمندانه‌ای که در این کشور اجرا شد از یک کشور با اقتصاد بسیار کوچک و ضعیف و سرانه تولید ناخالص داخلی حدود ۲۰۰ دلار به یکی از دو اقتصاد بزرگ دنیا تبدیل شده است؛ به طوری که سرانه تولید ناخالص داخلی آن امروز بیش از ۱۲ هزار دلار است. هرچند هنوز اقتصاد چین حدود ۱۸ هزار میلیارد دلار با اقتصاد آمریکا که حدود ۳۰ هزار میلیارد دلار است، فاصله دارد. با این حال رشد اقتصادی بسیار بالایی چین و رشد اقتصادی اندک آمریکا همچنین جمعیت بیش از پنج برابری چین نسبت به آمریکا، سال‌هاست که برای آمریکایی‌ها به یک دغدغه تبدیل شده و این نگرانی را برای آنها ایجاد کرده که ممکن است روزی چین اقتصاد اول دنیا شود و پذیرش این مسأله برای آمریکا بسیار دشوار است. با وجود این، چینی‌ها در کنار همه توانایی‌ها و جایگاه بسیار خوبی که در اقتصاد جهانی پیدا کرده‌اند هنوز در عرصه سیاسی نقش آفرینی عمده‌ای در سطح بین‌المللی نداشته‌اند. ویژگی دیگر چین این است که برخلاف آمریکا که دارای منابع انرژی کافی است از نظر تأمین انرژی به واردات وابسته است و به‌خصوص به نفت خاورمیانه متکی هستند.

اما برای اولین بار است که چین در سال‌های اخیر در برخی مسائل سیاسی مربوط به خاورمیانه نقش آفرینی کرده است؛ از جمله توانست به بهبود و برقراری مجدد روابط ایران و عربستان که پیش از این تیره شده بود، کمک کند. دو کار دیگر مهم چین این است که در شورای امنیت، زمانی که قطعنامه‌ای که بحرینی‌ها علیه ایران پیشنهاد کرده بودند، تصویب شد برای نخستین بار با همراهی روسیه آن قطعنامه را وتو کرد. در اقدامی جدیدتر نیز پس از تحریم‌های جدیدی که آمریکایی‌ها علیه نفت ایران و برخی پالایشگاه‌های چینی تصویب کرد رسماً اعلام کرد که از این تحریم‌ها تبعیت نمی‌کند و همچنان به خرید نفت ایران ادامه می‌دهد. این موارد نشانه‌هایی از ظهور یک چین سیاسی است و نشان می‌دهد که چین در حال تمرین است تا در عرصه بین‌المللی، از جمله در خاورمیانه، برای خود جایگاهی را تعریف کند. در کنار این موضوع در حوزه نظامی نیز با دستیابی چین به سلاح‌های مدرن و امکانات آتندی و پدافندی پیشرفته شاهد ارتقای جایگاه این کشور در سطح جهانی خواهیم بود. در چنین شرایطی و در بحبوحه اختلاف‌نظرهای میان آمریکا و چین درباره موضوع تایوان (چین تایپه) ترامپ در آستانه سفر به پکن قرار دارد و به نظر می‌رسد که چینی‌ها نسبت به اقدامات آمریکا که منتهی به بسته شدن تنگه هرمز شده، موضعی انتقادی خواهد داشت. به نظر می‌رسد، ترامپ علاقه‌مند است که اگر بتواند، پیش از سفر به چین، مسائل خود با ایران را به نقطه‌ای برساند که حداقل تنگه هرمز بازگشایی شود. این سیاستی است که در حال حاضر ترامپ دنبال می‌کند و در آستانه سفرش به پکن برای او اهمیت ویژه‌ای دارد. به همین دلیل جمهوری اسلامی نیز باید متوجه رقابت‌های اصلی میان چین و آمریکا باشد. ایران هرچند از نظر اقتصادی و جمعیتی فاصله زیادی با چین و آمریکا دارد اما می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر سیاسی تأثیرگذار در این رقابت‌ها نقش آفرینی کند و از رقابت میان این دو قدرت برای تأمین منافع ملی خود حداکثر استفاده را ببرد. امید است مسئولان جمهوری اسلامی با انسجام و دوری از هرگونه تشنج و تشنج داخلی بتوانند در این دو هفته پیش‌رو، حداکثر منافع را برای کشور رقم بزنند.

۷۰ روز از قطع اینترنت در ایران گذشت

ضد امنیت ملی

حسین سیمایی صراف، وزیر علوم می‌گوید:

اختلال اینترنت و پیامدهای آن برای عموم مردم، ضد امنیت ملی است و حتی شخص رئیس‌جمهور نیز درباره ادامه این وضعیت قانع نشده است



No internet

ERR_INTERNET_DISCONNECTED

اینترنت خطرناک‌تر است». اظهارات وزیر علوم در حالی مطرح می‌شود که ایران وارد هفتادمین روز محدودیت گسترده اینترنت بین‌المللی شده؛ وضعیتی که دیگر صرفاً یک محدودیت موقت امنیتی تلقی نمی‌شود بلکه به تدریج به الگویی تازه از مدیریت ارتباطات در کشور شباهت پیدا کرده است؛ الگویی مبتنی بر دسترسی محدود، سهمیه‌بندی و شکل‌گیری اینترنت طبقاتی.

ادامه در صفحه ۶

مواضع رسمی علیه تداوم محدودیت اینترنت در ایران است. حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، در نشست «دانشگاه، هنر و جامعه ایرانی پساجنگ» با اشاره به اختلال گسترده اینترنت و پیامدهای آن بر آموزش و پژوهش، تأکید کرد که حتی شخص رئیس‌جمهور نیز درباره ادامه این وضعیت قانع نشده است. او جمله‌ای را مطرح کرد که شاید مهم‌ترین توصیف این روزهای اینترنت ایران باشد: «تبعیض در دسترسی به اینترنت از خود قطع



فائزة مومنی

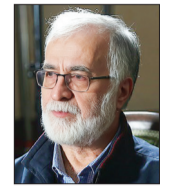
گروه اجتماعی

«اختلال اینترنت برای عموم مردم، ضد امنیت ملی است». این جمله را نه یک فعال مدنی، نه یک نماینده منتقد مجلس و نه یک کنشگر حوزه فناوری بلکه وزیر علوم دولت چهاردهم مطرح کرده است؛ اظهارنظری که حالا یکی از صریح‌ترین

گفتار

چهره آینده

در دوران تازه، بن‌بست‌ها گشوده خواهد شد



گروه سیاسی: محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با انصاف‌نویز، با ترسیم تصویری از آینده سیاسی کشور از نقش‌آفرینی آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای در گشودن بن‌بست‌ها، ویژگی‌های دولت مسعود پزشکیان و محدودیت‌های ساختاری آن سخن گفته و در عین حال بر ضرورت همگرایی، پرهیز از دوقطبی‌سازی و توجه به بدنه میانی جامعه تأکید کرده است.

او درباره دولت مسعود پزشکیان می‌گوید: «دولت پزشکیان دولتی است که کار می‌کند اما دیده نمی‌شود؛ مسئول است اما مختار نیست؛ و در نهایت، پاسخگوست اما همه ابزارهای پاسخگویی را در اختیار ندارد». عطریان‌فر با اشاره به شخصیت رئیس‌جمهور، او را چهره‌ای «اخلاق‌گرا، مؤمن و مشارکت‌طلب» توصیف می‌کند که برخلاف بسیاری از رؤسای جمهوری پیشین، تمایلی به «نمایش و خوداظهاری» ندارد. او تأکید می‌کند: «پزشکیان به‌دنبال جذب همه نیروهایی است که سودای خدمت دارند بی‌آنکه مرزهای تنگ سیاسی را مانع بدانند». با این حال همین ویژگی به گفته او به «نوعی کم‌صدایی ساختاری» انجامیده و باعث شده دولت در روایت‌سازی و اقیان افکار عمومی، حضوری کم‌رنگ داشته باشد.

عطریان‌فر در تحلیل این وضعیت به محدودیت‌های ساختاری قوه مجریه اشاره می‌کند و می‌گوید: «در وضعیت کنونی، بخش عمده‌ای از امور کلان از سیاست خارجی گرفته تا حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی در اختیار کامل دولت نیست». او با پذیرش بخشی از انتقادات درباره انفعال دولت می‌افزاید: «باید نسبت اختیار و مسئولیت را دقیق‌تر دید... با این حال من نیز به اینکه دولت در دفاع از اختیارات خود گاه عقب‌نشینی می‌کند، انتقاد دارم». در حوزه سیاست‌گذاری، او به‌طور مشخص به موضوع اینترنت اشاره کرده و با انتقاد از رویکردهای سلبی می‌گوید: «قطع کامل اینترنت مثل بستن همه دروازه‌های شهر برای جلوگیری از ورود یک تهدید محدود است؛ این راهکار اگرچه ممکن است امنیتی بنظر برسد اما هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه دارد». عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی همچنین ایده استعفای دولت را «غیرمنطقی» می‌داند و تصریح می‌کند: «رئیس‌جمهوری که با شناخت از شرایط کشور با میدان گذاشته باید تا پایان دوره مسئولیت خود بایستد». به گفته او، مدیریت کشور نیازمند نگاه بلندمدت است و پروژه‌های ملی در چارچوبی فراتر از یک دوره تعریف می‌شوند. عطریان‌فر در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از برخی دوقطبی‌سازی‌ها در فضای سیاسی و رسانه‌ای می‌گوید: «برخی از تریبون‌های رسمی به‌جای هم‌افزایی یا دولت، پیام‌های رادیکال و ناهماهنگ به جامعه منتقل می‌کنند». او پیشنهاد می‌کند که ارتباطی نظام‌مند میان دولت و انجمن جمع برقرار شود تا «واقعیت‌های کشور» دقیق‌تر منعکس شوند. او درباره وضعیت جریان میانه‌رو نیز می‌گوید اصلاح‌طلبان پس از انتخابات ۸۸ آسیب جدی دیدند اما در سال‌های اخیر «مواضعی مسئولانه و همسو با منافع ملی» اتخاذ کرده‌اند. به گفته او حتی در برابر تهدیدات خارجی مانند جنگ ۴۰ روزه نیز طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی از جمله منتقدان پیشین، در دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور هم‌صدا شدند؛ هرچند «صداهای پراکنده و مخالف» همچنان وجود دارند. عطریان‌فر در این رابطه به وضعیت میرحسین موسوی نیز اشاره می‌کند و می‌گوید، سکوت او قابل تقد است اما تا حدی قابل فهم است. به باور او، محدودیت‌های ارتباطی و شرایط خاص حصر در دسترس موسوی به اطلاعات و در نتیجه بر موضع‌گیری‌هایش تأثیر گذاشته است. او تأکید می‌کند که مهندس موسوی همواره چهره‌ای ضد امپریالیستی بوده و در این زمینه با رهبر شهید مواضع مشترکی داشته است. عطریان‌فر معتقد است اگر این محدودیت‌ها کاهش یابد، موسوی نیز می‌تواند در چارچوب دفاع از منافع ملی، نقش فعال‌تری ایفا کند. او در نهایت با اشاره به چشم‌انداز رهبری آینده، می‌گوید: «آقا مجتبی‌خامنه‌ای مرد زمانه خویش است و در چشم‌انداز آینده در دوران رهبر جدید، وجه تسامح دیده می‌شود». عطریان‌فر معتقد است: «در دوران تازه، بن‌بست‌ها باز می‌شود و بحران‌هایی حل خواهد شد و از ظرفیت‌هایی که برای اداره کشور توانمند هستند، استفاده می‌شود». به گفته این عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، آینده ایران نیز همچنان وابسته به انتخاب‌هایی است که در مسیر عقلانیت و همگرایی شکل می‌گیرد: «ایران می‌تواند از دل بحران‌ها عبور کند به‌شرط آنکه به عقلانیت، گفت‌وگو و پرهیز از دوقطبی‌سازی توجه شود».

اولین دیدار

دیدار رئیس‌جمهور با رهبر انقلاب



گروه سیاسی: رئیس‌جمهور روز گذشته در توضیحی درباره دیدار اخیر خود با رهبر انقلاب، این نشست را گفت‌وگویی صریح، بی‌واسطه و همراه با سطح بالایی از اعتماد توصیف کرد. او تأکید کرد فضای حاکم بر این دیدار حدود دو ساعت و نیمه عمیقاً صمیمی بوده و امکان طرح دیدگاه‌ها و مسائل کشور به‌صورت مستقیم فراهم شده است.

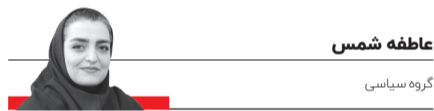
پزشکیان با اشاره به‌نوع مواجهه و شیوه برخورد رهبر انقلاب، گفت: «آنچه در این نشست بیش از هر موضوع دیگری برای بنده برجسته بود، نحوه مواجهه، نوع نگاه و شیوه برخورد متواضعانه و عمیقاً صمیمی رهبر معظم انقلاب اسلامی بود؛ رویکردی که فضای گفت‌وگو را به محیطی مبتنی بر اعتماد، آرامش، همدلی و گفت‌وگوی بی‌واسطه تبدیل کرده بود». او این جلسه را یکی از گفت‌وگوهای مهم و اثرگذار توصیف کرد و افزود، فضای حاکم بر دیدار به‌گونه‌ای بوده که امکان طرح مسائل کشور بدون تشریفات و با سطح بالایی از اعتماد فراهم شده است.

پزشکیان با تأکید بر ضرورت تقویت انسجام، اعتماد و همدلی در سطوح مدیریتی کشور، تصریح کرد: «وقتی

گزارش

تهدید عراقچی

محمدباقر خرازی، دبیرکل حزب سیاسی حزب‌الله ایران، اتهامات بی‌اساسی را به وزیر خارجه ایران وارد کرد



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سیدمحمدباقر خرازی، دبیرکل حزب‌الله ایران و مدیرمسئول روزنامه حزب‌الله، دوباره با ادبیات تندش خبرساز شده. او اخیراً در پیامی در شبکه اجتماعی ویراستی، عراقچی را نه‌فقط به «وادادگی» در مذاکرات بلکه به نقشی مشکوک در ماجرای حمله به محل استقرار رهبری متهم کرد و هشدار داد که اگر مذاکرات به سرنوشته شبیه برجام برسد شخصاً در «اعتراضات خیابانی» و حتی «ویران کردن وزارت خارجه و دولت پزشکیان» تردید نخواهد کرد. او نوشت: «نسبت به عراقچی کاملاً مشکوک هستیم» و مدعی شد که پس از ملاقات او با «رهبر شهید» محل استقرار رهبر جمهوری اسلامی هدف بمباران قرار گرفته است. خرازی همچنین ادعا کرد که عراقچی برای دیدار با رهبر کنونی جمهوری اسلامی نیز «اصرار شدید» داشته اما رهبر شهید با این ملاقات موافقت نکرده است.

بخش دیگری از حمله او متوجه رویکرد دیپلماتیک عراقچی بود. خرازی مدعی شد که وزیر امور خارجه در مواضع و نوشته‌های خود تلاش می‌کند میان دونالد ترامپ و اسرائیل تفکیک قائل شود و نقش مستقیم آمریکا در جنگ را نادیده بگیرد. از نگاه او این رویکرد، مقدمه‌ای برای نرمش در برابر غرب است؛ همان چیزی که جریان‌های تندرو از آن با عنوان «وادادگی» یاد می‌کنند. اما جنجالی‌ترین بخش پیام او، تهدید مستقیم به خیابان بود؛ جایی که نوشت: «اقسام بالله اگر مذاکرات کنونی به وادادگی همانند برجام تبدیل شود، در ایجاد اعتراضات خیابانی و ویران کردن وزارت خارجه و دولت پزشکیان لحظه‌ای تردید نخواهم کرد».

این اظهارات خرازی سبب شد برخی منتقدان یادآوری کنند که در سال‌های گذشته، بخش‌هایی از همین جریان سیاسی همواره اعتراضات خیابانی را با ادبیاتی بسیار سخت نقد کرده و معترضان را با عناوینی چون «اعتشاشگر» خطاب می‌کردند. آنها این پرسش را مطرح می‌کنند که حالا که چنین تهدیدی از سوی یک چهره منتسب به جریان تندرو بیان شده، آیا برخورد مشابهی با او صورت خواهد گرفت یا خیر. در شبکه‌های اجتماعی هم واکنش‌ها عمدتاً حول همین تناقض شکل گرفت و کاربران پرسیدند، چگونه ممکن است فردی که خود را نزدیک به جریان‌های انقلابی معرفی می‌کند، یک وزیر یا مسئول رسمی را به جاسوسی متهم کند و هم‌زمان از تخریب دولت سخن بگوید بدون آنکه پاسخ حقوقی روشنی به اظهاراتش داده شود. گروهی دیگر هم یادآور شدند که زمانی، اعتراض خیابانی از سوی منتقدان نظام با شدیدترین برخوردها مواجه می‌شد اما حالا بخشی از تندروها از «ویران کردن وزارت خارجه» سخن می‌گویند.

از دفتر حزب‌الله قم تا جدال با دولت پزشکیان

محمدباقر خرازی، روحانی، دبیرکل حزب‌الله ایران و مدیرمسئول روزنامه حزب‌الله است که سال‌هاست بیشتر در حاشیه سیاست رسمی حضور دارد اما هرچند وقت یک‌بار با مواضع آتشین‌اش به‌صدر اخبار برمی‌گردد. او از خاندان شناخته‌شده خرازی‌ها می‌آید؛ خانواده‌ای بانفوذ در ساختار جمهوری اسلامی. روایت‌هایی که بعد از این اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی درباره او منتشر شده به دهه ۷۰ و دفتر «حزب‌الله قم» اشاره دارند؛ تشکیلاتی که در یک خانه قدیمی در خیابان صفاییه قم مستقر بود و به گفته برخی فعالان سیاسی قدیمی از طریق پخش فیلم‌های خارجی بدون مجوز و حتی چند دستگاه فوتبال دستی، جوانان را جذب می‌کرد تا آنان را در چارچوب عقاید خود سازماندهی کند. گفته می‌شود، در شلوغ‌ترین سخنرانی‌های او حدود ۱۲۰ نفر شرکت می‌کردند که بخشی از آنان هم نیروهای امنیتی بودند. همین روایت‌ها می‌گویند که میان خود او و نیروهایش هم بارها به‌دلیل تدریجی‌های کلامی اختلاف و قهر و آشتی پیش می‌آمد تا جایی



که در نهایت، فعالیت آن دفتر متوقف شد و عملاً از کار افتاد. حالا برخی بازگشت دوباره او به ادبیات تهدیدآمیز را تلاشی برای احیای همان جایگاه قدیمی می‌دانند؛ نوعی تلاش برای بازیابی شأن سیاسی از دست رفته.

نام خاندان خرازی اما اخیراً از زاویه‌ای دیگر هم خبرساز شد؛ گزارش تحقیقی خبرگزاری رویترز درباره صرافی رمزآری نوبیتکس. رویترز در این گزارش مدعی شد که دو برادر از نسل سوم خانواده خرازی با استفاده از نام خانوادگی «آقامیر»، کنترل یکی از بزرگ‌ترین صرافی‌های ارز دیجیتال ایران یعنی نوبیتکس را در اختیار داشته‌اند و این صرافی به یکی از مسیرهای مهم جابه‌جایی منابع مالی در اقتصاد تحریمی ایران تبدیل شده است. این گزارش می‌گوید، نوبیتکس از یک استارت‌آپ دانشجویی به گرهی کلیدی در اقتصاد غیررسمی کشور بدل شد؛ جایی که هم شهروندان عادی برای حفظ ارزش دارایی خود از آن استفاده می‌کردند و هم به ادعای رویترز، تراکنش‌های مرتبط با نهاد‌های تحریمی از جمله بانک مرکزی و سپاه پاسداران از آن عبور می‌کرد. در این گزارش همچنین به ارتباط این خانواده با سطوح

اجرایی، نه امتیاز و برتری بلکه بار سنگین‌تری از تعهد، پاسخگویی و خدمت به مردم است و هیچ مسئولی نباید جایگاه خود را دست‌انویزی برای فاصله گرفتن از مردم یا ایجاد تمایز میان خود و جامعه بدانند». رئیس‌جمهور افزود: «مقام معظم رهبری نیز در این دیدار دقیقاً با چنین روحیه‌ای حضور داشتند؛ روحیه‌ای مبتنی بر سادگی، تواضع، صمیمیت و احترام متقابل که باعث می‌شد، فضای گفت‌وگو کاملاً بی‌واسطه، صریح و همراه با احساس نزدیکی و اعتماد باشد».

پزشکیان تأکید کرد: «در شرایط حساس کنونی کشور و منطقه، وجود چنین رویکردی در عالی‌ترین سطح حاکمیتی می‌تواند نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام مدیریتی و افزایش امید و همدلی در جامعه ایفا کند». او در ادامه با اشاره به شرایط حساس کشور و منطقه، «وحدت»، «سعه‌صدر» و «تحمل دیدگاه‌های متفاوت» را از الزامات مهم برای عبور از بحران‌ها دانست و هشدار داد که نباید در فضای مدیریتی و سیاسی، افراد به‌سادگی با برچسب‌هایی مانند خیانت یا جاسوسی متهم شوند؛ چراکه این موضوع می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی منجر شود.

بالای قدرت اشاره شده و آمده بود که پدر این دو برادر، آیت‌الله باقر خرازی، دبیرکل حزب سیاسی «حزب‌الله ایران» است. هرچند نوبیتکس این ادعاها را رد و اعلام کرد که یک کسب‌وکار خصوصی مستقل است و هیچ رابطه‌ای با نهادهای نظامی یا دولتی ندارد اما انتشار این گزارش نام خاندان خرازی را دوباره در افکار عمومی برجسته کرد و همین هم باعث شد که اظهارات تازه محمدباقر خرازی درباره عراقچی و دولت پزشکیان با حساسیت بیشتری دیده شود.

خرازی البته سابقه حضور مستقیم در انتخابات را هم دارد. او در سال ۱۳۹۲ برای انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کاندیداتوری کرد و وعده‌هایی داد که همان زمان به‌شدت خبرساز شد؛ از رساندن دلار به هزار تومان در یک سال گرفته تا لغو سریع تحریم‌ها و حتی «برگرداندن همه سرزمین‌های جدا شده از ایران از جمله تاجیکستان، ارمنستان و آذربایجان بدون یک قطره خون‌ریزی» که سبب شد، وزارت خارجه تاجیکستان به این اظهارات اعتراض رسمی کند. در نهایت هم گرچه صلاحیتش رد شد اما مواضع‌اش نشان داد که سبک سیاست‌ورزی او بر پایه شوک رسانه‌ای، وعده‌های بزرگ و مواضع رادیکال بنا شده است.

قانون برای همه یا فقط برای برخی؟

با توجه به شرایط کنونی کشور نیز نمی‌توان اظهارات او را فقط یک موضع‌گیری ساده تلقی کرد؛ مسأله مهم این است که چگونه در فضای سیاسی ایران، برخی افراد می‌توانند هم‌زمان مدعی دفاع از نظام، قانون و امنیت باشند و در عین حال یک وزارتخانه و یک دولت رسمی را تهدید به «ویران کردن» کنند بدون آنکه هزینه این ادبیات را بپردازند. اگر اعتراض خیابانی و تهدید علیه نهادهای رسمی برای گروهی «اعتشاش» و جرم امنیتی تلقی می‌شود همین معیار باید بدون تبعیض برای همه صادق باشد، نه اینکه بسته به گوینده، معنای آن تغییر کند.

از سوی دیگر، اظهارات محمدباقر خرازی را می‌توان نشانه‌ای از بحران در منطق سیاسی بخشی از جریان تندرو دانست؛ جریانی که هرگاه از مسیر رسمی سیاست نتیجه نمی‌گیرد، زبان تهدید، اتهام‌زنی و تخریب را جایگزین رقابت سیاسی می‌کند. در همین رابطه، متهم کردن وزیر خارجه به نقش داشتن در یک رخداد امنیتی بزرگ، آن هم بدون ارائه سند و مدرک، عبور این جریان از مرز مسئولیت سیاسی و ورود به زمین بی‌ثبات‌سازی است. اگر قرار باشد هر جریان سیاسی که از روند مذاکرات یا تصمیمات دولت ناراضی است، نسخه «ویران کردن وزارتخانه» بپیچد، دیگر چیزی از مفهوم دولت، قانون و نظم عمومی باقی نمی‌ماند. چنین اظهاراتی نوعی بی‌مسئولیتی خطرناک است که حتی حامیان سنتی این جریان هم نسبت به آن با تردید نگاه می‌کنند و می‌پرسند چه کسی به محمدباقر خرازی این حق را داده که خود را فراتر از قانون تصور کند؟

دارایی‌های در بند

۱۰۰ میلیارد دلاری که بلوکه شد



گروه بین‌المللی: به گزارش الجزیره، موسسه صلح ایالات متحده اخیراً میزان دارایی‌های مسدود شده ایران را حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده است؛ رقمی که اگرچه از سوی برخی تحلیلگران افرقا آمیز توصیف می‌شود اما نشان‌دهنده ابعاد گسترده محدودیت‌های مالی علیه ایران است. در سال‌های گذشته واشنگتن با بهره‌گیری از شبکه بانکی بین‌المللی و تحریم بانک مرکزی ایران تلاش کرده، دسترسی تهران به منابع ارزی حاصل از فروش نفت را محدود کند. در این میان کشورهایمانند چین، ژاپن، هند و کره جنوبی از جمله مهم‌ترین محل‌های نگهداری پول‌های بلوکه‌شده ایران بوده‌اند؛ کشورهایی که بخش قابل توجهی از نفت خود را از ایران خریداری می‌کنند اما به دلیل تحریم‌های آمریکا، امکان انتقال آزادانه پول آن به تهران را نداشتند. عراق نیز به دلیل وابستگی گسترده به واردات برق و گاز ایران، یکی دیگر از گره‌های مهم این پرونده مالی محسوب می‌شود.

اظهارات اخیر اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، ابعاد تازه‌ای از فشارهای اقتصادی علیه ایران را آشکار کرد. او مدعی شد که پس از حملات ایران به برخی اهداف در خلیج فارس، کشورهای عربی منطقه که پیش‌تر در برابر انتقال پول‌های ایران انعطاف بیشتری داشتند این بار با واشنگتن همکاری کردند و

دیپلماسی

اطلاعات لازم را برای مسدودسازی دارایی‌ها در اختیار آمریکا قرار دادند. به گفته او، برخی کشورهای عربی که در مقاطع مختلف در تنش‌های منطقه‌ای علیه ایران مشارکت نظامی داشتند اکنون وارد مرحله‌ای از «جنگ اقتصادی» علیه تهران شده‌اند. این اظهارات نشان می‌دهد که پرونده دارایی‌های بلوکه‌شده تنها یک مسئله بانکی یا حقوقی نیست بلکه بخشی از رقابت ژئوپلیتیکی گسترده‌تر در منطقه به شمار می‌رود. با این حال موضوع دارایی‌های خارجی ایران، سابقه‌ای طولانی‌تر از تحریم‌های سال‌های اخیر دارد. نخستین موج گسترده توقیف اموال ایران به سال ۱۹۷۹ و بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا بازمی‌گردد؛ زمانی که جیمی کارتر دستور مسدود شدن حدود ۱۱ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را صادر کرد. هرچند بخشی از این منابع بعدها و در چارچوب توافق الجزایر آزاد شد اما دعوی حقوقی متعدد و احکام دادگاه‌های آمریکایی باعث شد، بخش قابل توجهی از این اموال همچنان توقیف بماند یا به نفع شاکیان مصادره شود. طبق آخرین گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، هنوز حدود یک میلیارد و ۹۷۳ میلیون دلار از دارایی‌های مالی ایران در این کشور مسدود است؛ رقمی که به اعتقاد برخی تحلیلگران اگر سود چند دهه آن محاسبه شود، ارزش واقعی آن

بسیار فراتر خواهد بود. موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده پس از توافق هسته‌ای برجام در سال ۱۳۹۴ بار دیگر به مرکز توجه افکار عمومی بازگشت. در آن زمان مقام‌های مختلف، ارقام متفاوتی از میزان منابع آزادشده اعلام می‌کردند و همین مسئله به منبعی برای مناقشات سیاسی تبدیل شد. بعدها توضیحات بانک مرکزی نشان داد که همه دارایی‌های خارجی ایران الزاماً به معنای منابع قابل برداشت فوری نیستند. بخشی از این پول‌ها به صورت وثیقه پروژه‌ها، سپرده نزد شرکت‌های نفتی یا اوراق مالی نگهداری می‌شد و عملاً امکان دسترسی سریع به آنها وجود نداشت. بر همین اساس اگرچه کل دارایی‌های خارجی ایران حدود ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد اما تنها بخشی از آن قابل استفاده فوری بود. پس از اجرای برجام، بخشی از این منابع آزاد شد. گزارش بانک جهانی در سال ۱۳۹۵ نشان می‌داد که ایران طی حدود ۸ ماه توانسته به نزدیک ۳۰ میلیارد دلار از دارایی‌های خود دسترسی پیدا کند.

آسیا

مجازات سنگین برای رشوه

وزیران دفاع چین به اعدام محکوم شدند

به گزارش رسانه‌های دولتی چین، دو وزیر دفاع سابق آن کشور به جرم رشوه‌خواری و فساد به اعدام تعلیقی محکوم شدند. وی فننگه و لی شانگفو که در دادگاه نظامی چین، محاکمه شدند، روز پنج‌شنبه به اعدام با دو سال تعلیق محکوم شدند. به گزارش خبرگزاری شینخواه، این بدان معناست که احکام اعدام آنها پس از دو سال، بدون امکان کاهش مجازات یا آزادی مشروط، به حبس ابد تبدیل خواهد شد. هر دو نفر به جرم رشوه‌خواری، مجرم شناخته شدند و تمام دارایی‌های شخصی آنها مصادره شد.

خبر حکم اعدام تعلیقی این دو پس از برکناری اخیر چندین چهره ارشد نظامی در چین در بحبوحه اقدامات گسترده ضدفساد منتشر شده است. وی فننگه از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ به‌عنوان وزیر دفاع خدمت کرد و در مارس ۲۰۲۳ جای خود را به لی شانگفو داد. دوره تصدی لی به‌عنوان وزیر دفاع بسیار کوتاه‌تر بود. او در اکتبر ۲۰۲۳، دو ماه پس از ناپدید شدن ناگهانی از انظار عمومی، برکنار شد. لسی مظنون به دریافت «مبالغ هنگفتی» رشوه همچنین رشوه دادن به دیگران بوده است.

گفته شده که او «به مسئولیت‌های سیاسی خود عمل نکرده» و «به دنبال منافع شخصی برای خود و دیگران بوده است». در همین حال تحقیقات آغاز شده در مورد آقای وی در سال ۲۰۲۳ نیز نشان داده که او «مقدار زیادی پول و اشیاء قیمتی» را به‌عنوان رشوه پذیرفته و «به دیگران در کسب مزایای نامناسب در تزیینات پرسنلی کمک کرده است». در ماه فوریه شسی جین بینگ، رئیس‌جمهور چین، در اقدامی نادر به‌طور علنی به سرکوب نظامی که اخیراً منجر به برکناری ژانگ یوشیا، ژنرال ارشد ارتش آن کشور شد، اشاره کرد. شی گفت که ارتش «تغییرات بزرگی برای مبارزه با فساد انجام داده است». شی از زمان به قدرت رسیدن، موجی از اقدامات ضدفساد را آغاز کرده که منتقدان می‌گویند از آنها به‌عنوان ابزاری برای حذف رقبای سیاسی نیز استفاده شده است.



زد و خورد در تنگه

آتش بس شکست؟

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

روز پنج‌شنبه، تنش‌های طولانی مدت میان ایران و ایالات متحده از مرز لفاظی‌ها فراتر رفت و به درگیری مستقیم نظامی در آب‌های راهبردی تنگه هرمز و دریای عمان (مکران) انجامید. روایتی که از این حادثه ارائه می‌شود، دو سوی کاملاً متضاد دارد؛ از یکسو، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از «درهم کوبیدن نیروهای ایرانی» سخن می‌گوید و از سوی دیگر، فرماندهان نظامی ایران از پاسخ کوبنده و ایجاد خسارات قابل توجه بر شناورهای آمریکایی خبر می‌دهند. آنچه مسلم است، شکسته شدن نسبی آتش‌بس شکننده پس از جنگ ۴۰ روزه و ورود منطقه به مرحله جدیدی از بی‌ثباتی است.

دونالد ترامپ در یک ادعای جنجالی مدعی شد، سه ناوشکن آمریکایی از مناطق دشوار عبور کرده و توانسته‌اند، نیروهای ایرانی را کاملاً از میان بردارند. به گفته او، نیروهای آمریکایی هدف تیراندازی قرار گرفته بودند اما پاسخی «بسیار سنگین‌تر» دادند. ترامپ این اقدامات ایران را «بی‌حاصل، بی‌مورد و بی‌معنا» توصیف و تأکید کرد که ایران سعی کرد با آمریکا بازی کند اما با پاسخ کوبنده، مواجه شد. با این حال جزئیات فنی یا تصاویری از این «درهم کوبیدن» ارائه نشد و همین مسأله، فاصله عمیق میان روایت واشنگتن و واقعیت میدانی را نشان می‌دهد. در سوی دیگر میدان، روایت کاملاً متفاوت است؛ ابراهیم ذوالفقاری، سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، با لحنی تند، آمریکا را «ارتش متجاوز، تروریست و راهزن» خواند و جزئیات دقیق‌تری از حادثه ارائه داد. به گفته وی، آمریکا با نقض آشکار آتش‌بس، یک کشتی نفتکش ایرانی که از آب‌های ساحلی جاسک به سمت تنگه هرمز در حرکت بود را هدف قرار داد. همزمان یک کشتی دیگر در حال ورود به تنگه هرمز در مقابل بندر فجزیره امارات مورد حمله قرار گرفت. افزون بر حملات دریایی، مناطق غیرنظامی در سواحل بندر خمیر، سیریک و جزیره قشم نیز با همکاری برخی کشورهای منطقه، هدف تعرض هوایی قرار گرفتند.

اما شاید مهم‌ترین بخش روایت ایران، واکنش فوری و متقابل نیروهای مسلح باشد. ذوالفقاری تأکید کرد که جمهوری اسلامی بلافاصله شناورهای نظامی آمریکا را در شرق تنگه هرمز و جنوب بندر چابهار مورد هجوم قرار داد و «خسارات قابل توجهی» به آنها وارد کرد. هرچند از میزان تلفات یا جزئیات خسارات وارده به شناورهای آمریکایی گزارشی منتشر نشد،

اما همین ادعا، نشانگر سطح بالای تقابل و عزم ایران برای پاسخ‌دهی سریع است. بهای سنگین این تنش را اما غیرنظامیان پرداختند. به گفته فرماندار میناب در جریان تهاجم آمریکا در آب‌های تنگه هرمز و دریای عمان یک شناور باری در نزدیکی آب‌های این شهرستان مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی شد. در این لنج باری ۱۵ ملوان حضور داشتند که ۱۰ نفر از آنها مصدوم و به بیمارستان منتقل شده‌اند. گروه‌های مردمی و تیم‌های تجسس همچنان در تلاش برای اطلاع یافتن از وضعیت دیگر ملوانان هستند. این روایت تلخ، تصویری غیررسمی اما واقعی از قربانیان اصلی منازعات ژئوپلیتیک را به نمایش می‌گذارد.

در سطح سیاسی و دیپلماتیک، واکنش‌ها نشان از عمق شکاف و بی‌اعتمادی دارد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در پیستی در شبکه اجتماعی ایکس با کنایه‌ای تلخ، ماجراجویی نظامی آمریکا را «بی‌برده» توصیف کرد و پرسید: «آیا این صرفاً یک تاکتیک کور برای اعمال فشار است؟ یا فریب‌کاری یک خرابکار است که می‌خواهد، رئیس‌جمهور آمریکا را به باتلاقی تازه بکشاند؟» او تأکید کرد، نتیجه همیشه یکی است: ایرانیان هرگز در برابر فشار سر خم نمی‌کنند اما دیپلماسی قربانی می‌شود. عراقچی در بخش دیگری از سخنانش مستقیماً سازمان سیا را هدف گرفت و اعداد و ارقام متناسب به این سازمان درباره توان موشکی ایران را تکذیب کرد. به گفته وی اگر سبیا اعلام کرده، ذخایر موشکی و ظرفیت پرتابگرهای ایران در سطح ۷۵ درصد نسبت به ۹ اسفند است، رقم صحیح «۱۲۰ درصد» است. او در پایان با لحنی صریح، افزود: «آمادگی ما برای دفاع از مردم خود: ۱۰۰ درصد!»

موازی با درگیری میدانی، نبردی حقوقی و دیپلماتیک نیز در شورای امنیت سازمان ملل متحد شکل گرفته است. آمریکا و بحرین، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به اعضای شورا ارائه داده‌اند که خواستار بازگشایی تنگه هرمز است. در نسخه اصلاح‌شده

روزهای برتالهایی را پیش‌رو دارد.

نشر در تعطیلات

روایت مرتضی‌ کاردر از بحران چند ماهه حوزه نشر و کتاب

مرتضی کاردر، مدیر نشر هرمس معتقد است در شرایط فعلی و بسا افزایش قیمت‌ها تولید کتاب به سمت ناممکن شدن پیش می‌رود. او هم‌چنین از دشوار شدن قیمت‌گذاری کتاب می‌گوید. این ناشر و فعال فرهنگی در گفت‌وگو با ایسنا دربارهٔ تأثیر شرایط فعلی کشور در بی جنگ اخیر بر حوزهٔ نشر با بیان این‌که ماجرای نشر به کمی قبل از وضعیت جنگ برمی‌گردد، گفت: «بعضی صنف‌ها و صنعت‌ها به گونه‌ای است که جنس مخاطبان‌شان بیشتر تحت‌تأثیر اتفاقات سیاسی و اجتماعی است و وقتی شرایط پیچیده و یا بحرانی‌تر می‌شود، انگار مخاطبان‌شان بر حوزه‌های دیگری متمرکز می‌شوند. به‌نظر صنعت نشر و کتاب و هنرهای تجسمی این‌گونه است. باید همه‌جانبه قضایا را ببینیم، آسیب‌هایی که بعضاً گریبان‌گیر نشر است، باعث می‌شود، چند ماهی ناشر فعالیت نکند یا با مشکلاتی مواجه باشند.»

ناشران در باتکلیفی

او با اشاره به اتفاقات دی‌ماه که در بی حذف ارز ترجیحی رخ داد و با بیان این‌که شاید این موضوع در تحلیل‌ها قدری مغفول مانده است، گفت: «آزادسازی قیمت‌ها منجر به تورم و افزایش قیمت شد که این افزایش قیمت تأثیر خود را گذاشت. به این شکل که ناشران ترجیح دادند فعلاً برای تولید دست نگه دارند تا ببینند شرایط به چه شکل پیش می‌رود، زیرا ناگهان همهٔ قیمت‌ها با یک روند پرشتاب افزایش پیدا کرد. این مسأله‌ای بود که عملاً ما ناشران ماه دی را از دست دادیم، بخش زیادی از بهمن را از دست دادیم. این را هم در نظر بگیرید که بهمن و اسفند و فروردین ماه‌های پرکار ناشران است. ناشران در بلاکلیفی در حال تصمیم‌گیری بودند که در شرایط جدید چه باید بکنند که در صبح ۶ اسفند ۱۴۰۴ جنگ آغاز و عملاً فعالیت ناشران تعطیل شد. شرایط به‌گونه‌ای نبود که بشود فعالیت کرد و این وضعیت تا هفته آخر فروردین طول کشید. می‌شود گفت صنعت نشر نزدیک دو ماه کاملاً تعطیل بود.»

شوک قیمت‌ها

کاردر با بیان این‌که تعطیلی حتی در شرایط عادی، به خودی خود، تبعاتی دارد و در شرایط بحرانی تبعات بیشتری، گفت: «معمولاً هفتهٔ سوم فروردین، پس از آغاز فعالیت ناشران و بازار، قیمت‌های جدید خدمات نشر مانند چاپ و صحافی و لیتوگرافی اعلام می‌شود. امسال اعلام قیمت به دلیل شرایط جنگی به تعویق افتاد و زمانی که قیمت‌ها اعلام شد، شوک دیگری به بازار نشر وارد شد، زیرا قیمت‌ها تقریباً دوبرابر و در جاهایی بیش از دو برابر شده بود که این کار را سخت می‌کند. اگر از چاپخانه، لیتوگرافان و صحافی‌ها بپرسید، خواهید دید عملاً با کاهش سفارش مواجه شده‌اند زیرا ناشران نتوانسته‌اند با قیمت‌های جدید کنار بیایند. در هفتهٔ اخیر دوباره بعد از افزایش قیمت دلار، قیمت کاغذ افزایش پیدا کرد و طی دو سه روز تقریباً دوبرابر شد، این درحالی بود که در دی ماه نیز افزایش نزدیک دوبرابری را شاهد بودیم. خب در این شرایط از وضعیت نشر حرف بزنیم؟!»

کاردر با تأکید بر این‌که تولید کتاب غیرممکن شده است، بیان کرد: «اگر ناشری تولید داشته، با اندوخته‌های سال گذشته است. قیمت‌گذاری کتاب با این افزایش قیمت‌ها غیر ممکن شده است. چرا؟ با توجه به افزایش قیمت‌ها در دو سه ماه اخیر، چه قیمتی باید بگذاریم؟ مثلاً کاغذ چند برابر شده از بندی دو و نیم میلیون در دی‌ماه به سه و نیم تا چهار میلیون تومان رسید. آیا می‌توانستید قیمت‌گذاری کنید؟ الان هم کاغذ به بندی ۶ میلیون تومان رسیده است. باید چه کار کنیم؟ چشم‌اندازی برای ورود کاغذ با کشتی‌ها وجود ندارد، باید ببینیم چه مقدار کاغذ در بازارها و انبارها وجود دارد، اگر کاغذ تمام شود شرایط چه خواهد شد؟ از طرف دیگر تا ناشران به نحوی کار خود را شروع کردند، شاهد افزایش قیمت کاغذ و خدمات چاپ بودند، در این شرایط چه قیمتی می‌تواند درست باشد؟ روزانه قیمت‌گذاری شود؟ هفتگی قیمت بگذاریم؟ از زمانی که کتاب به چاپخانه می‌رود تا از چاپخانه بیرون بیاید، دو سه هفته طول می‌کشد. آیا در این دو سه هفته افزایش قیمت را به‌صورت روزانه اعمال کند یا کلاً صبر کند و زمانی که کتاب آماده توزیع شد، قیمت بگذارد؟ اگر بعد از آن با افزایش قیمت مواجه شدیم، ناشر باید چه کند؟ همهٔ این‌ها مسائل سختی است و کار را سخت می‌کند. عملاً تولید به سمت ناممکن شدن پیش می‌رود و قیمت‌گذاری نیز دشوار است. فرض را بر این می‌گذاریم که قیمت‌گذاری با یک منطقی انجام شد، آیا مخاطب حوزهٔ کتاب که از قضا لزوماً مخاطب معمولی هم نیست، خواهد توانست کتاب را تهیه کند؟ اگر به این نقطه برسیم که کتاب به هر قیمتی تولید شود، متناسب با تورم روز هم قیمت‌گذاری شود که ناشر، موزع و کتاب‌فروش ضرر نکنند، زمانی که خریداری نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ همه این‌ها مسائلی است که کار نشر را در هم پیچیده می‌کند.» این فعال نشر هم‌چنین دربارهٔ نمایشگاه کتاب که قرار است اواخر اردیبهشت جاری به صورت مجازی برگزار شود، گفت: «نمایشگاه کتاب مسکن موقتی است. نمایشگاه کتاب برای ناشرانی فایده دارد که می‌خواهند در هر شرایطی فروش داشته باشند.»



کافه

ایران کانون شاهنامه

گزارش شب شاهنامه و ایران

تهصدوجهل‌وسومین شب از شب‌های مجلهٔ «بخارا» که با هدف واکاوی پیوند هویت ملی و حماسه حکیم توس به «شب شاهنامه و ایران» اختصاص یافته بود، عصر پنج‌شنبه ۱۷ اردیبهشت با سخنرانی مهری بهفر، مریم طاهری مجد، نصرالله مدقالچی، علی دهباشی، قرائت متن پیام دکترحسن انوری و پخش پیام تصویری دکتر محمود امیدسالاردر سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار شد.

حسن انوری به دلیل محدودیت‌های جسمانی، پیام خود را به‌صورت مکتوب برای این نشست ارسال کرد. متن این پیام که علی دهباشی آن را خواند، به شرح زیر است:

همان گنج و دینار و کاخ بلند

نخواهد بدان مر تورا سودمند

سخن ماند از تو همی یادگار

سخن را بدین خوارمایه مدار

مراد از خوارمایه چیست؟ به نظر من فردوسی در این دو بیت که نظایر آن در شاهنامه زیاد است می‌گوید سخن را به پول مفروش. مگر سخن را به پول می‌فروختند که فردوسی می‌گوید سخن را به پول مفروش؟ ناصرخسرو، شاعر نامدار، به این پرسش پاسخ می‌دهد: آری، شاعران، دقیق‌تر بگویم، شاعران دریاری شعر را به پول می‌فروختند. ناصرخسرو می‌گوید: «ای شعرفروشان خراسان بشناسید این ژرف‌سخن‌های مرا گر شعراید». ناصرخسرو جامعه‌شناسی شعر نخوانده بود، اما با «شعر در برابر اخلاق» آشنا بود. امروز این نکته روشن‌تر و صریح‌تر از زبان ناقدان ادب گفته می‌شود. آن‌چه ملتی را در درازای تاریخ زنده نگه می‌دارد، ادب و ادبیات است. زبان‌شناسان می‌گویند در جهان ۶۰۰۰ زبان وجود داردولی نیمی از آن‌ها درحال انقراض است. من در عمر ۹۰ سالهٔ خود شاهد انقراض چند زبان در منطقه‌ای که زادگاه من در آن قرار داشت بودم. از جمله در روستایی زبانی خاص بود که زبان‌شناسان آن

گزارش: سینمای ایران

خانه خراب

چهل سالگی فیلم اجاره‌نشین‌ها؛ کمدی مهم داریوش مهرجویی

چهل سال از ساخت و نمایش فیلم «اجاره‌نشین‌ها» می‌گذرد. فیلمی که از زمان اکرانش در جشنواره فیلم فجر تا امروز همواره مورد بحث و جدل بوده است. اما آنچه درباره این فیلم مهم همواره بدون بحث باقی مانده، این است که اجاره‌نشین‌ها یکی از شاهکارهای سینمای ایران است که بعد از گذشت چهار دهه هنوز تازه و دیدنی است و حرف برای گفتن دارد.

یک فیلم مهم

اجاره‌نشین‌ها فیلمی است که نامش در اغلب نظرسنجی‌های منتقدان و کارشناسان درباره بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران دیده می‌شود. فیلم اما از همان اولین اکرانش، جنجال‌برانگیز شد. محسن مخملباف در نامه‌ای که به سیدمحمد بهشتی، رئیس بنیاد فارابی نوشت از قصد خود برای انجام عملیات انتحاری علیه داریوش مهرجویی خبر داد: برادر عزیز از شما خیلی خوبی می‌گویند. خیلی‌ها می‌گویند، دو سه سال پیش در محضر مهندس مرا امر به ثواب کردید، یادتان هست؟ پس من:باب ثواب می‌گویم؛ حاجی‌واشنگن را که گردن نگرفتید، اجاره‌نشین‌ها به گردن چه کسی است؟ اگر فیلم را ندیده‌اید، ببینید. اگر دیده‌اید یک بار دیگر ببینید. شما را به همان حضرت ابوالفضل(ع) تکلیف کسی چون من با شما چیست؟ ارج‌گذاری‌تان به جنگ را باور کنم یا اغماض‌تان را در مورد امثال اجاره‌نشین‌ها، امیدوارم که همچنان ما را متحجر ندانید که مثلاً به هنر تبلیغاتی و سفارشی معتقدیم یا در انتقاد مخالفیم. اما انتقاد در چارچوب انقلاب و اسلام با هجو اصل اسلام و انقلاب؟ توهین می‌شود اگر بگویم فیلم دیدن بلد نیستید. می‌توانید بنشینید با هم اجاره‌نشین‌ها را ببینیم. من:باب ثواب گفتم، گناه که نکرده‌ام؟ واقع قضیه

را می‌شناختند. دانشمند زبان‌شناس، دکتر احسان یارشاطر که افتخار دوستی ایشان را داشتم، از من خواست دربارهٔ آن زبان کاری کنم. ۲۰۰ واژهٔ فارسی به من فرستاد که معادل آن‌ها را در زبان مزبور با گفت‌وگو با روستاییان آن روستا به دست آورم. من این کار را کردم. سال ۱۳۵۲ پس از تقسیم اراضی یا اصلاحات ارضی، عده‌ای از روستا رفتند. پس از انقلاب ۵۷ نیز بقیه کوچ کردند و ده خالی شد. دیگر کسی نبود بدان زبان سخن بگوید و بدین‌سان زبان از بین رفت. به نظر جامعه‌شناسان، اغلب زبان‌ها چنین سرنوشتی در انتظارشان است. فقط زبان‌هایی خواهند ماند که در آن زبان‌ها شاهکارهای ادبی به وجود آمده است. جوئل ییزن، جامعه‌شناس زبان، می‌نویسد سرانجام چهار زبان پایدار خواهد بود: یونانی، رومی (ایتالیایی)، فارسی و انگلیسی. در این زبان‌ها شاهکارهایی به‌وجود آمده که نشان‌دهندهٔ نبوغ بشری است. برای ملت ایران زهی افتخار که شاهنامه فردوسی یکی از این چهار است که مدنیت را پایدار خواهد داشت.»

انوری در پایان پیامش نوشته: «قرار بود من پیام در این شب بخارا چند کلمه سخن بگویم، اما به‌علت این ناتوانی موفق نشدم. به خواهش دوست عزیزم، علی دهباشی، این چند کلمه را نوشتم و این چند بیت حسین مسرور را خطاب به فردوسی تکرار می‌کنم:

کجا خفته‌ای ای بلندآفتاب

برون آی و بر فرق گردون تباب

نه اندر خورِ توست روی زمین

ز جا خیز و بر چشم دوران نشین

تو در جام جمشید کردی شراب

تو بر تخت کاوس بستی عقاب

اگر کاوه ز آهن یکی توده بود

جهانش به سوهان خود سوده بود…»

شاهنامه لنگری است برای ما

در ادامه این نشست، مهری بهفر به تقد دیدگاه‌های ناسیونالیستی مدرن و انطباق آن‌ها بر شاهنامه پرداخت. متن این سخنان به شرح زیر است: «موضوع من دربارهٔ ملی‌گرایی کهن، مستمر، منحصربه‌فرد، ارگانیک و طبیعی است که در شاهنامه ساخته می‌شود، فعلیت پیدا می‌کند و تا به امروز مرتب تکرار، تجربه و فهم می‌شود.» به اعتقاد بهفر این ملی‌گرایی کهن و طبیعی با مبهن‌پرستی ناسیونالیستی وارداتی قرن بیستم متفاوت است و نفوذ ناسیونالیسم وارداتی به ملی‌گرایی کهن را مضر می‌داند و دربارهٔ چگونگی شناخت آن ملی‌گرایی کهن می‌گوید: «ملی‌گرایی کهن و طبیعی مثل آبی است که در آن شناور هستیم و تا وقتی از آب بیرون نیایم و از آن فاصله نگیریم، نمی‌توانیم به‌طور ملموس ببینیم و درکش کنیم… در شاهنامه بیش از ۵۰ داستان داریم. اگر کل این داستان‌ها را خوانده باشید آن‌چه در یک‌یک داستان‌ها ساخته می‌شود وقتی همهٔ آن‌ها کنار هم قرار می‌گیرند به‌نحوی آشکارتز، ملموس‌تر و تجربه‌شدنی‌تر نمایان می‌شود و آن این است که شخصیت اصلی و محوری در شاهنامه ایران است. در لایهٔ بیرونی این داستان‌ها اتفاقات متفاوتی می‌افتد و شخصیت‌های مختلفی با نیم‌چهره و نیم‌رخ از ایزدان، شسahan، پهلوانان و… وارد داستان‌ها می‌شوند، بر اساس خویش‌کاری خودشان و منش و کنشی که داستان به آن‌ها داده یا آن‌ها به داستان و روایت می‌دهند، ماجرا را پیش می‌برند و مضمون‌های مختلفی پدید می‌آید. این داستان‌های متعدد در بسترهای روایی گوناگونی شکل می‌گیرند. این انواع روایت با شخصیت‌های متعدد در ایران به وحدت می‌رسد یعنی در جهت پایداری، بقا و استمرار یک موجودیت شکل می‌گیرند و حقیقت وجودی ایران محور داستان‌ها است. در واقع جغرافیای شاهنامه کانون وحدت‌بخش این داستان‌ها است. این داستان‌ها که بر کانون وحدت‌بخش «ایران» و «وطن» شکل می‌گیرند یک نوع

اخیرش، وجود نگاه سیاسی و سمبلیک به عنوان نویسنده و کارگردان این اثر را رد کرد. او که «اجاره‌نشین‌ها» را یکی از بهترین فیلم‌های خودش می‌دانست در مصاحبه‌ای درباره پیدایش ایده این داستان چیزهای متفاوتی می‌گوید: «موقعی که در فرانسه بودم دائماً از ایران برابم نامه می‌آمد که پاشو بیا که دارند خانه‌ات را بالا می‌کشند. این موضوع، ایده و تلنگر اصلی برای اجاره‌نشین‌ها شد. دیگر از ساختن فیلم‌هایی در فضای روستایی خسته شده بودم. می‌خواستم فیلمی از زندگی مدرن و آپارتمان‌نشینی بسازم. در واقع آن تماس‌ها تلنگری شد تا در آن زمان که در پاریس وقت آزاد زیادی داشتم، توانستم روی آن کار کنم. در واقع استخوان‌بندی داستان آنجا شکل گرفت. یک آپارتمان چهار طبقه که آدم‌های مختلفی در واحدهای آن زندگی می‌کنند اما همه از طبقه متوسط و متوسط به بالا هستند». این فیلم اما در دوره‌ای ساخته شد که ایران در اوج جنگ با عراق و فضای جامعه نیز متأثر از چنین اتفاق مهمی بود. علاوه بر مسائل خود جنگ، کشور درگیر مواردی چون مشکلات اقتصادی و بیسکاری هم بود. مهرجویی در چنین فضایی، اقدام به ساخت این کمدی پوچ کرد. فیلمی که می‌توان با اتسکا به تئوری «مرگ مولف» با آن برخورد کرد چراکه بسا وجود اینکه مهرجویی می‌گوید، آن را براساس یک اتفاق شخصی نوشته اما داستان کماکان به روز است و می‌توان تعبیر متفاوت و مهمی از آن داشت. در فیلم اجاره‌نشین‌ها، خانه قهرمان اصلی قصه است و همین موضوع بیش از همه تفسیر داستان به سمت استفاده سمبلیک از خانه برای بیان وضعیت میهن می‌برد. مخملباف و شمقدری نیز تا حدودی چنین تعبیری از آن داشتند. مهرجویی اما می‌گوید: «اینها واقعا در ذهن من نبود. دلم می‌خواست این شخصیت‌ها را از نظر روانی

گزارش: موسیقی جهان

ما لیدی گاگا نیستیم

پرده برداری از «آئین دو پواترین» داغ‌ترین و عجیب‌ترین گروه موسیقی سال

موسیقی راک میکروتال آنها، به یک موفقیت ویروسی عظیم تبدیل شده، اما آیا واقعاً آنها دو بیگانه ۳۳۳ ساله هستند که از میمون‌های بورنتو الهام گرفته‌اند؟ این بند دونفره اهل کبک، همه چیز را می‌گویند.

اخیراً «آئین دو پواترین» مجبور شد سرهای جدیدی برای خود تهیه کند. این دوتت راک با ظاهر بیگانه، در واقع با چهره‌های خالی سیاه سفید و صورت‌های برآمده به دنیا نیامده بودند؛ همان ظاهری که میلیون‌ها شنونده از زمان وایرال شدنشان در بهار امسال شفته‌اش شده‌اند. گیتاریست «کن» بینی بلند و قابل کششی دارد و سازی ترکیبی از گیتار / بیس دو دسته می‌نوازد؛ درامر «کلک» با بینی آویزان که همراه با ضربه‌های دقیقش تکان می‌خورد. گفته می‌شود هر دو «سفرکننده‌های زمانی ۳۳۳ ساله» هستند که الهام اصلی‌شان یک کوارتت موسیقی از میمون‌های بورنتو است. طی ماه‌ها اجرای فشرده، ماسک‌های دست‌ساز کاغذی‌شان از شدت تنفس سنگین نوازندگان، نرم و خراب شده بود. «وقتی ماسکم را نگاه کردم با خودم گفتم: خدای من، واقعاً این قدر با این چیز ساز زدم؟» کلک می‌گوید. «داشتت از هم می‌پاشید. مثل این بود که یک جعبه کریسمس را زیر باران بگذاری».

اما وقتی ماسک‌ها از بین رفتند، مهم بود که نسخه‌های جدید مقاوم‌ترشان همچنان حس زندگی شده بودن را حفظ کنند. کن می‌گوید: «امرد عاشق این گروه شده‌اند، به همان شکلی که همیشه بوده. ما قرار نیست همه چیز را عوض کنیم، فقط چون بودجه‌مان بیشتر شده. ما به لباس‌های کهنه و ضربه‌خورده‌مان که انگار تصادف کرده‌اند و پر از زد و نشانه‌اند، وابسته‌ایم. فکر می‌کنیم مردم دوست دارند این حس را داشته باشند که این چیزها واقعاً زندگی کرده‌اند».

در چند ماه کوتاه، افسانه «آئین دو پواترین» وارد تاریخ اسطوره‌های راک شده، در کنار گروه‌هایی مثل کیس، د ریزیدنتس و دفت بانک. در فوریه، ویدئویی از اجرای این دوتت ناشناس در یک جشنواره فرانسوی توسط رادیو آمریکایی کنی‌تی‌یکس پی منتشر شد: ۲۷ دقیقه اجرای پیچیده و موج‌دار از دو چهره که شبیه ترکیبی از جرج ریچکس از جنگ ستارگان و هوگو بال آوانگاردیست دادنیست بودند. نکته نواورانه فقط ظاهر نبود؛ این موسیقی عجیب و دقیق، از میکروتالیت کن (نواختن نت‌های میان نت‌های معمولی در موسیقی غربی) و درام‌نوازی بسیار دقیق کلک الهام گرفته است.

از زمان شکل‌گیری در سال ۲۰۱۹، این گروه تلاش کرده هویت خود را پنهان نگه دارد و معمولاً با لباس کامل و از طریق یک مترجم در رسانه‌ها ظاهر می‌شود. بنابراین تعجب‌آور است وقتی که این دو نفر در یک تماس ویدئویی از شهر زادگاهشان سائت، در کبک ظاهر می‌شوند؛ بدون ماسک، در خانه‌هایشان و با زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و شبیه دو نوازنده بانک معمولی به نظر می‌رسند. کلک دائماً یک سبک‌روشن‌ننده را می‌چرخاند. او می‌گوید پوشیدن ماسک و لباس «آئین» برای تماس صبحگاهی خیلی وقت‌گیر است. آنها در آوریل دومین آلبوم خود با نام «جلد دوم» را منتشر کردند و جایگاهشان را به عنوان یکی از داغ‌ترین نام‌های موسیقی آلترناتیو تثبیت کردند. این موفقیت باعث شد هم طرفداران پراگرسو و هم کودکان و نوجوانان به آنها علاقه‌مند شوند. حتی ویدئوهایی از کودکانی که با کابل به گیتار خود فرتهای میکروتال اضافه کرده‌اند تا آهنگ‌های آنها را کاور کنند، در شبکه‌های اجتماعی وایرال شد. کلک می‌گوید: «به این افتخار می‌کنم که مردم از موسیقی ما همان‌طور لذت می‌برند که باید». با این حال، آنها نسبت به شهرت بی‌تفاوت‌اند. کلک می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم موسیقی دارم زندگی کنسی را نجات می‌دهم. فقط دارم درام می‌زنم. یک نفر در یوتیوب نوشته بود: «حالا دلیلی برای زندگی دارم». با خودم گفتم: آروم باش رفیق، برو مادرت را بغل کن، این می‌شود دلیل زندگی».

طرفداران کنجکاو تا حدی هویت واقعی آنها را پیدا کرده‌اند، اما جذابیت گروه در همین رمزآلود بودن است. کلک می‌گوید: «این مثل کودکی است که هدیه کریسمس‌اش را باز می‌کند تا بفهمد چی گرفته، بعد دوباره می‌بنددش. لذت در ندانستن است. وقتی می‌فهمی ما چه کسی هستیم، می‌گویی: اوه... فقط دو آدم معمولی هستیم». او ادامه می‌دهد: «ما لیدی گاگا نیستیم، ما التون جان نیستیم. فقط دو آدم معمولی هستیم».

دو نفر از کودکی در منطقه سائت در کبک با هم آشنا شدند؛ کن ۱۳ ساله و کلک ۱۴ ساله. آنها در زیرزمین خانه‌ها موسیقی را شروع کردند. هر دو به موسیقی پیچیده و طنزآمیز علاقه داشتند و حتی گروه‌های تقلیدی از هنرمندان مختلف می‌ساختند. در نهایت آنها در سال ۲۰۱۹ پروژه «آئین دو پواترین» را شکل دادند؛ همراه با ماسک‌ها، سازهای دست‌ساز و موسیقی میکروتال. آنها می‌گویند موسیقی‌شان اغلب از بداهه‌نوازی شروع می‌شود؛ ریف‌هایی شکل می‌گیرد و سپس روی آنها ساختار ساخته می‌شود. آنها از گروه‌هایی مثل «کینگ گیزارد اند د لیزارد ویزارد» الهام گرفته‌اند. در مورد شهرت ناگهانی، می‌گویند در اینترنت وقت زیادی ندارند و ترجیح می‌دهند درگیر حاشیه‌ها نشوند. کن می‌گوید: «ما وقت نداریم که برای خودمان هم تیک‌تاک بسازیم، چه برسد به کمپین‌های تبلیغاتی». آنها همچنان شغل روزمره دارند؛ یکی در مک‌دونالد کار می‌کند و دیگری کسبوکار کوچکی دارد. کن می‌گوید: «من از زندگی ام راضی‌ام و نمی‌خواهم آن را تغییر بدهم». با وجود اینکه تمام بلیت‌های تورشان فروخته شده، آنها می‌گویند فشار زیادی احساس می‌کنند. ماسک‌ها در عین سستی، نوعی محافظت روانی هم ایجاد می‌کنند. کلک می‌گوید: «راحت‌تر است که ماسک بزنم و جلوی ۴۰۰۰ نفر اجرا کنم تا اینکه خودم باشم». آنها برای اولین بار به بریتانیا سفر کرده‌اند. عبور از گمرک با سازها برایشان جالب بوده؛ گیتار کن در کیف خواب حمل می‌شود و شبیه یک جسد به نظر می‌رسد.



هم‌گرایانه است. فردوسی در عصر تعصب دینی شاهنامه را گفت، اما باعث نشد کسی که مسلمان است بگوید این به من مربوط نمی‌شود چون ملی‌گرایی کهن همه را با خودش نگه می‌داشت. در بین قطب‌های متضاد نگرش‌های سیاسی روز، شاهنامه لنگری است برای ما. هر چیز افزودنی این تعادل را می‌تواند به هم بزند و احساس و آگرایی بدهد. در واقع ملی‌گرایی طبیعی و ارگانیک که در شاهنامه شکل گرفته موجب پایش و استمرار ایران است و کلید این استمرار هم‌گرایی است.»

خرد سیاسی و رزم زنانه

مریم طاهری‌مجد در این نشست به جایگاه زنان در حماسه ملی پرداخت و گفت: «اگر از شاهنامه نام ایران، ایران‌شهر و ایران‌زمین را برداریم اساس این شاهکار ارزشمند برهم می‌خورد. قصد من آن است که با توجه به حضور پررنگ و اصلی ایران در شاهنامه از دو رزدخت (گردآفرید و گردیه) سخن بگویم. این دو بانو در کنار دیگر مردان جانیانه از ایران دفاع کردند. ایران می‌رسد به جایی که دخت کمندافکن شاهنامه (گردآفرید)، زندانه عشق و جنگ سهراب را پایان‌یافته اعلام می‌کند. تعداد زیادی از ایات زندگی سهراب به دیدارش با گردآفرید اختصاص دارد. شاید همین مفصل بودن حضور گردآفرید است که حکیم را بر آن می‌دارد که شرحی مفصل‌تر در قالب عشق و رزم بگوید. در داستان «گردیه» این عشقش به ایران به کمال می‌رسد. گردیه در بخش تاریخی شاهنامه ظهور می‌یابد. در روزگار پراشوب ساسانیان، او خواهر بهرام چوبین است. گردیه در نقش یک تاریخ‌دان در پشت صحنه نبرد، برادر را از خطر کودتا علیه شاه باخیر می‌کند. او جایگاه برادر را یادآور می‌شود و تاریخ ایران را که از بر دارد، متذکر می‌گردد. او می‌گوید هیچ‌یک از سرداران ایران باستان ادعای شاهی نکرده‌اند. گردیه به بهرام می‌گوید این کار برای امنیت ایران خطرناک است. او با خرد خود نشان می‌دهد زن در شاهنامه حافظ سنت‌های سیاسی و تاریخی ایران است تا از فروپاشی نظام کشور جلوگیری کند.» در ادامه برنامه، نصرالله مدقالجی، پیش‌کسوت دوبله ایران، با حضور بر صحنه به شاهنامه‌خوانی پرداخت. هم‌چنین پیام تصویری محمود امیدسالار پخش شد. نمایش فیلم «شهر آزادگان» با دکلمه جلال خالقی مطلق، اصغر همت و ژاله آموزگار و آهنگسازی و آواز محسن مرعشی، و همچنین نقالی شاهنامه توسط مرشد محسن میرزا علی از دیگر بخش‌های این نشست بود.



همان آغاز قرن چهاردهم این تفسیرها، تحریف‌ها و تبلیغ‌ها مثل یک فیلتر میان ما و شاهنامه و آن ملی‌گرایی کهن فاصله انداختند. ملی‌گرایی کهن و ارگانیک جوری در شاهنامه ساخته و پرورده می‌شود که به شدت هم‌گرایانه، متواضع و ظریف است. هرگونه افزودنی وارداتی این تعادل را به هم می‌زند. عصر فردوسی عصری است که در آن عناصر زبان عربی کم است، در نتیجه فردوسی بنا بر طبیعت زبان عصر خودش و هم‌چنین با اتکا به روایت‌هایی که به گذشته باستان می‌رسند، این زبان را می‌سازد و شالوده زبان فارسی طبیعی ما را بنیاد می‌نهد، اما ما در قرن چهاردهم ایدئولوژی پاک‌سازی زبانی داریم. وقتی خیلی زیاد به فارسی تأکید شود و نه آن شکل کاملاً طبیعی که در شاهنامه وجود دارد، اقوام دیگر این حس را خواهند داشت که شاهنامه مال آن‌ها نیست. درحالی که در شاهنامه کلمات ترکی، سریانی، یونانی و عربی هست و هیچ‌گونه ایدئولوژی برای حذف آن‌ها وجود نداشته است. فردوسی بر زبان فارسی مسلط بود و اگر می‌خواست کلمات را حذف می‌کرد، اما نکرد؛ پس رویکردش

از ملی‌گرایی کهن و طبیعی را به‌وجود می‌آورد که امروز وقتی به مفهوم «ایران» نگاه می‌کنیم با این روایت‌ها ساخته می‌شود. اصلاً «ما» بودن‌مان به‌واسطه این روایت‌ها ساخته می‌شود. این «ما»ی نامنحصر ایرانی به این قوم یا آن قوم و این دین یا آن مذهب منحصر نیست. این مای ایرانی در شاهنامه به‌وجود می‌آید. ما بودن ما، به‌واسطه این روایت‌ها ساخته می‌شود و نه اینکه یک‌بار فقط ساخته بشود و تمام شود؛ بلکه در طول تاریخ از هنگامی که فردوسی آن را تنظیم و تدوین فنی و هنری می‌کند تا به امروز مرتب تکرار تجربه و فهم می‌شود. تصور مشترک ما از ایران مدیون همین روایت‌هاست تا برسیم به ابتدای قرن چهاردهم که در این موقع نظریه‌های سیاسی ناسیونالیستی و نظریه‌های چپ سیاسی وارد می‌شود. ناسیونالیسم وارداتی منویات میهن‌پرستانه خودش را می‌آورد و روی شاهنامه منطبق می‌کند و در این‌باره هم تبلیغ می‌کرد و هم اگر لازم می‌شد مصادره می‌کرد. دژ میهن‌پرستی که آن مدلی در شاهنامه نیست را با تبلیغ و تفسیر و حتی تحریف وارد کردند، به‌گونه‌ای که از



پرفروش و ماندگار

اجاره‌نشین‌ها از معدود فیلم‌هایی است که هم فروش خوبی داشت و هم ماندگار شد. این فیلم با حدود سه میلیون و ۵۰ هزار بیننده در گیشه حدود ۳۴ میلیون تومان فروش داشت که با توجه به قیمت دلار حدود ۱۰۰ تومان در آن دوران، چیزی معادل ۷۰ میلیارد تومان بازگشت سرمایه داشته است. این فیلم از انتخاب بازیگران نیز در میان یکی از بهترین آثار سینمایی ایران قرار می‌گیرد. بازیگران همه گویی کاملاً بجا و برای نقش‌های درست انتخاب شده‌اند. عزت‌الله انتظامی، حمیده خیرآبادی، حسین سرشار، فریماه فرجامی، رضا رویگری، اکبر عبدی، منوچهر حامدی، سیاوش تهمورث، ایرج راد و فردوس کاپوینی از بازیگران اصلی این فیلم هستند و هر کدام نقش‌آفرینی ماندگاری را بجا گذاشته‌اند، هرچند فیلم هیچ شخصیت اصلی انسانی ندارد و در واقع قهرمان اصلی همان ساختمان متزلزلی است که در پایان فرو می‌ریزد.

عوامل تولید، انتخاب ساختمانی بود که نقش اول و قهرمان فیلم است. فیلم با نمایی از خانه آغاز می‌شود و آرام آرام شخصیت‌های دیگر را معرفی می‌کند. هرچه می‌گذرد، شخصیت خانه شکل انسانی بیشتری می‌گیرد و انگار روح آن بیدار می‌شود. جایی وقتی آقای قندی با بازی اکبر عبدی مشغول آواز خواندن است، خانه انگار از طریق لوله‌های پوسیده، پاسخ را می‌دهد. با زمانی که آقای باقری با بازی منوچهر حامدی به خانه قندی می‌آید تا علیه عباس سوپرگوش جلسه بگذارد و عباس آقا با بازی عزت‌الله انتظامی از طریق بلندگوی دریاکن مقابل خانه، صدایشان را می‌شنود سپس بعد از قطعی برق از حیاط خلوت استراق‌سمع می‌کند، گویی خانه جان دارد و در این مهلکه نقش بازی می‌کند. در سکانس پایانی که خانه تخریب می‌شود، گویی دارد فریاد می‌زند: «این ویرانی نتیجه بی‌توجهی و خودخواهی تان است».

کنکاش کند. دنبال تعابیر سیاسی و اجتماعی نبود. من اصلاً از سمبلیسم بدم می‌آید. در این فیلم هیچ شخصیتی، نماد و سمبل یک گروه یا صنف خاصی نیست. من اتفاقاً نگاهی فردگرایانه داشتم. دلم می‌خواست فیلم شبیه تئاتر ابزورد و جفنگ باشد. می‌خواستم همه چیز مسخره به نظر بیاید، آن هم درحالی که این آدم‌ها خیلی جدی و واقع‌گرایانه نشان داده می‌شدند.

تیپ‌هایی که اکبر عبدی بازی می‌کرد را زیاد در جامعه داشتیم. برای من بررسی و نگاه مجدد به این طبقه از مردم جامعه بود که در شرایط بحرانی جنگ، چگونه می‌توانند با هم کنار بیایند. آنها در خانه‌ای زندگی می‌کنند که صاحبش مرده و بی‌صاحب است و عباس سوپرگوش، می‌خواهد خانه را بالا بکشد اما هرکدام از این مستأجرها نیز می‌خواهند، خانه خودش را نگه دارد.»

شاید مهم‌ترین انتخاب فیلم از سوی مهرجویی و

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

اکنون جامعه ما وامکان روایت

روایت مشترک جامعه از آینده، دچار گسست شده

محمد محمدی

جامعه پژوه



اکنون در لحظه‌ای ایستاده‌ایم که به سختی می‌توان آن را با واژه‌های آشنا توضیح داد. جامعه ایران گویی وارد زمانی دیگر شده است؛ زمانی که در آن گذشته هنوز به‌طور کامل پایان نیافته و آینده نیز هنوز شکل روشنی پیدا نکرده است. ما در میانه‌ای مبهم ایستاده‌ایم؛ میان ترس و امید، میان سکوت و روایت. زندگی روزمره دیگر همان ریتم پیشین را ندارد. گویی زیر پوست شهر، ضربانی ناآرام می‌تپد؛ تپشی از جنس اضطراب و انتظار که از همزمانی بحران‌ها، سایه جنگ، نااطمینانی اقتصادی و فرسایش اجتماعی برمی‌خیزد.

در چنین لحظه‌هایی، جامعه بیش از هر چیز به آینده نیاز دارد تا خود را در آن ببیند؛ و این آینده چیزی جز روایت نیست. روایت کردن فقط بازگویی وقایع نیست بلکه تلاشی برای فهمیدن آن چیزی است که بر ما گذشته و همچنان در حال وقوع است. هانا آرت می‌گفت: «انسان موجودی قصه‌گوست». اگر چنین باشد، انسان تنها مصرف‌کننده رخدادها نیست بلکه آفریننده معناست. روایت به ما کمک می‌کند از دل تجربه‌های پراکنده، طرحی برای فهم زندگی بسازیم. وقتی جامعه‌ای در بحران فرو می‌رود، نخستین چیزی که آسیب می‌بیند همین داستان مشترک است. اما همان جا نیز امکان آغاز وجود دارد؛ امکان نوشتن روایتی دیگر.

آنچه امروز در ایران تجربه می‌کنیم، نوعی سردرگمی عمیق در قواعد و افق‌های زندگی است. بسیاری از نشانه‌هایی که پیش‌تر به ما جهت می‌دادند، دیگر همان معنا را ندارند. افراد در سادترین تصمیم‌های زندگی نیز با تردید روبه‌رو می‌شوند؛ بهمانند ما پروند، امید داشته باشند یا خود را برای بدترین سناریوها آماده کنند. این وضعیت شبیه زندگی در راهروی نیمه‌تاریک است؛ جایی که به بازگشت آسان است و نه مقصد به‌روشنی دیده می‌شود. جنگ و بحران‌های اخیر این وضعیت را تشدید کرده‌اند. جنگ فقط تخریب ساختمان‌ها نیست؛ ضربه‌ای است که به ریتم زیست اجتماعی وارد می‌شود. مهم‌تر از ویرانی فیزیکی، آسیب به شبکه‌های ظرفی است که زندگی را ممکن می‌کنند؛ هم‌زیستی، همکاری، امید و امکان با هم بودن. جامعه فقط از ساختمان‌ها و جاده‌ها ساخته نشده بلکه از جریان‌های زندگی شکل گرفته که در دل این ساختارها حرکت می‌کنند و زندگی روزمره را امکان‌پذیر می‌سازند.

در همین میان، ما گویی در میانه دو روایت ایستاده‌ایم؛ دو صدایی که هر یک می‌کوشد تمام افق را با زبان خود توضیح دهد. یک روایت، نجات را در مداخله بیرونی جست‌وجو می‌کند و دیگری همه پاسخ را در ادامه مسیر مقاومت می‌بیند. اما هر دو در یک خطا مشترک هستند؛ کوچک دیدن زیرساخت‌ها و فروگذاستن آنها به مجموعه‌ای از اشیاء و اعداد.

حال آنکه زیرساخت‌ها فقط ابزارهای فنی نیستند؛ آنها بستری‌های خاموش زندگی جمعی‌اند. همان جاهایی که در آنها اعتماد ساخته می‌شود، ارتباط شکل می‌گیرد و جامعه خود را بازتولید می‌کند. وقتی زیرساختی فرو می‌ریزد فقط یک جاده یا ساختمان از میان نمی‌رود؛ بخشی از ریتم زندگی جمعی مختل می‌شود. انگار ضربانی در بدن شهر از کار می‌افتد.

در دل این آشوب، جامعه ایران نیز در حال دگرگونی است. مرزهای فکری جابه‌جا می‌شوند، مواضع تغییر می‌کنند و گفت‌وگو سوارتر از گذشته می‌شود. صداها زبانشنیدنی کم است. در چنین وضعیتی، روایت اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. روایت، تلاشی است برای پیوند دادن تجربه‌های پراکنده و تبدیل آنها به معنایی قابل فهم. وقتی افراد داستان زندگی خود را تعریف می‌کنند، در واقع پلی میان تجربه شخصی و تجربه جمعی می‌سازند. در زمانه بحران حتی کوچک‌ترین روایت‌ها نیز اهمیت دارند؛ خاطره‌های کوتاه، گفت‌وگویی میان دو دوست یا یادداشتی از تجربه زیسته یک شهروند. این روایت‌های خرد، در کنار هم به حافظه جمعی جامعه تبدیل می‌شوند. جامعه‌ای که بتواند تجربه‌های خود را روایت کند هنوز توان فهمیدن خود را از دست نداده است.

جامعه امروز ایران در نقطه‌ای حساس ایستاده است؛ نه کاملاً در گذشته زندگی می‌کند و نه هنوز آینده‌ی روشن پیش روی خود می‌بیند. اما در دل همین ابهام، امکانی تازه نیز نهفته است؛ امکان بازاندیشی در آنچه بوده‌ایم و آنچه می‌خواهیم باشیم. شاید نخستین گام همین تلاش برای دیدن و شنیدن یکدیگر باشد؛ بازگشت به گفت‌وگو و ساختن داستانی مشترک درباره آنچه بر ما گذشته و آنچه می‌خواهیم بسازیم. زیرا جامعه تنها با ساختمان‌ها ساخته نمی‌شود؛ جامعه با روایت‌هایی ساخته می‌شود که مردمش درباره خود و آیندشان تعریف می‌کنند.

تراژدی ارغوان

بهار مهدی‌پور همه را نجات داد اما خود در آتش ارغوان گیر افتاد

گروه اجتماعی: عصر پانزدهم اردیبهشت‌ماه، وقتی نخستین تصاویر از دود غلیظ مجتمع ارغوان در فاز ۴ اندیشه منتشر شد، کمتر کسی تصور می‌کرد چند ساعت بعد، نام ۸ نفر در فهرست جان‌باختگان یک فاجعه شهری ثبت شود. شعله‌ها از طبقات پایین زبانه کشیدند و به‌سرعت تمام بدنه مجتمع تجاری-اداری را دربر گرفتند؛ ساختمان‌های ۱۱ طبقه با ۲۵۰ واحد تجاری و ۵۰ واحد اداری که حالا بخشی از آن به تلی از آهن سوخته و دیوارهای سیاه تبدیل شده است. در میان روایت‌های تلخ این حادثه، نام «بهار مهدی‌پور» بیش از همه در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. کانال تلگرامی «عالیجناب» نوشت: «بهار، منشی باشگاه تامکس، وقتی شعله‌ها بالا گرفت اول دخترها را به بیرون هدایت کرد اما بعد متوجه شد موبایلش جا مانده است؛ همان چند ثانیه بازگشت کافی بود تا آتش راه فرار را ببندد». روایتی کوتاه که بیش از هر گزارش رسمی، عمق تراژدی را نشان می‌دهد؛ مرگی در فاصله چند ثانیه. فرماندار ویژه شهریار، اسامی جان‌باختگان را اعلام کرد؛ از سروش باطنی ۲۰ ساله تا مجتبی باطنی ۵۰ ساله. ۸ انسانی که هر کدام برای کار، خرید یا گذراندن یک عصر معمولی وارد ارغوان شدند و دیگر بازنگشتند. در زمان حادثه حدود دو هزار نفر در مجتمع حضور داشتند و اگر تخلیه اولیه انجام نمی‌شد، ابعاد فاجعه می‌توانست بسیار سنگین‌تر باشد.

روایتی آشنا: آتش، کامپوزیت و فرار ناممکن

آنچه ارغوان را به تیر اول رسانده تبدیل کرد فقط تعداد قربانیان نبود؛ بلکه شباهت هولناک آن به زخم‌های

ادامه از صفحه اول



قدیمی شهر ایرانی بود. دوباره همان تصاویر آشنا تکرار شد: دود غلیظ، نمای شعله‌ور، ازدحام مردم پشت نوار زرد و آتش‌نشانی که میان ریزش مصالح و حرارت شدید در رفت‌وآمد بودند. شاهدان می‌گویند، آتش با سرعتی غیرعادی گسترش یافت. یکی از کسبه پاساژ به «جام‌جم» گفته است که احتمالاً حریق از یک مغازه در ضلع شرقی و بر اثر اتصالی برق یا کولر آغاز شده اما آنچه آتش را مهارناپذیر کرد، نمای کامپوزیتی ساختمان بود؛ همان متریالی که سال‌هاست، کارشناسان درباره خطر اشتعال‌پذیری آن هشدار می‌دهند. تناقض تلخ ماجرا اینجاست که فرماندار شهریار تأیید کرده، ساختمان در سال ۱۳۹۴ پایان کار گرفته و حتی «مجوز نمای کامپوزیت» نیز داشته است. یعنی متریالی که امروز از آن به‌عنوان یکی از عوامل اصلی گسترش حریق نام برده می‌شود، روزی با مهر تأیید رسمی وارد بدنه ساختمان شده بود.

ساختمان‌های ایمن روی کاغذ

پس از حادثه، دادستان عمومی و انقلاب شهریار دستور بررسی پرونده ساختمانی مجتمع ارغوان و مجوزهای ایمنی و آتش‌نشانی آن را صادر کرد. همچنین از بازداشت سازنده ساختمان و بررسی قصور احتمالی خبر داده شد. اما پرسش اصلی فراتر از یک پرونده قضایی است: چند ساختمان دیگر با همین الگو در شهرهای ایران ساخته شده‌اند؟ سال‌هاست در بسیاری از پروژه‌های تجاری، «زیبایی نما» بر «ایمنی» اولویت پیدا کرده است. نمای کامپوزیت به دلیل سبک بودن و ظاهر مدرن به انتخاب محبوب سازندگان تبدیل شد؛ بی‌آنکه

وزیر علوم: قطعی اینترنت، ضد امنیت ملی است

گزارشی از ۷۰ روز محدودیت، اینترنت طبقاتی و فرسایش اقتصاد دیجیتال

اینترنت «پرو»؛ دسترسی آزاد یا امتیاز ویژه؟

همزمان با محدودیت گسترده اینترنت، طرحی با عنوان «اینترنت پرو» یا «خط‌های سفید» نیز در حال گسترش است؛ طرحی که بنا بر روایت رسمی برای حفظ فعالیت کسب‌وکارها و مشاغل ضروری طراحی شده اما در افکار عمومی بیش از هر چیز به‌عنوان نماد «اینترنت طبقاتی» شناخته می‌شود. براساس گزارش‌های منتشرشده، برخی کاربران با پرداخت هزینه‌های چندمیلیونی یا دریافت مجوزهای خاص، امکان دسترسی گسترده‌تر به اینترنت بین‌الملل را پیدا می‌کنند؛ دسترسی‌ای که برای بخش بزرگی از مردم محدود یا مسدود شده است. همین مسأله، احساس تبعیض را به یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد از سیاست‌های اخیر تبدیل کرده است. پرسش اصلی منتقدان روشن است: اگر اینترنت جهانی تهدید امنیتی محسوب می‌شود، چگونه



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

«اختلال اینترنت برای عموم مردم، ضد امنیت ملی است». این جمله را نه یک فعال مدنی، نه یک نماینده منتقد مجلس و نه یک کنشگر حوزه فناوری بلکه وزیر علوم دولت چهاردهم مطرح کرده است؛ اظهارنظری که حالا یکی از صریح‌ترین مواضع رسمی علیه تداوم محدودیت اینترنت در ایران است. حسین سیمایی، وزیر علوم، در نشست «دانشگاه، هنر و جامعه ایرانی پس‌انگ» با اشاره به اختلال گسترده اینترنت و پیامدهای آن بر آموزش و پژوهش، تأکید کرد که حتی شخص رئیس‌جمهور نیز درباره ادامه این وضعیت قانع نشده است. او جمله‌ای را مطرح کرد که شاید مهم‌ترین توصیف این روزهای اینترنت ایران باشد: «تبعیض در دسترسی به اینترنت از خود قطع اینترنت خطرناک‌تر است». اظهارات وزیر علوم درحالی مطرح می‌شود که ایران وارد هفتادمین روز محدودیت گسترده اینترنت بین‌الملل شده؛ وضعیتی که دیگر صرفاً یک محدودیت موقت امنیتی تلقی نمی‌شود بلکه به‌تدریج به الگویی تازه از مدیریت ارتباطات در کشور شباهت پیدا کرده است؛ الگویی مبتنی بر دسترسی محدود، سهمیه‌بندی و شکل‌گیری اینترنت طبقاتی.

۷۰ روز اختلال: اقتصاد دیجیتال در وضعیت

فرسایش

بیش از ۱۶۰۰ ساعت اختلال و محدودیت اینترنت، تنها به کند شدن ارتباطات روزمره ختم نشده است. طی دو ماه گذشته، بخش بزرگی از کسب‌وکارهای آنلاین با کاهش شدید درآمد، توقف پروژه‌ها و تعدیل نیرو مواجه شده‌اند. بسیاری از فریلنسرها و فعالان اقتصاد دیجیتال، مشتریان خارجی خود را از دست داده‌اند و شرکت‌های فناوری از افت جدی فعالیت خبر می‌دهند. در کنار کسب‌وکارها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نیز تحت‌تأثیر این محدودیت‌ها قرار گرفته‌اند. دسترسی دشوار به پایگاه‌های علمی، اختلال در ارتباطات پژوهشی و محدود شدن استفاده از ابزارهای بین‌المللی، بخشی از مشکلاتی است که استادان و دانشجویان با آن مواجهند. هشدار وزیر علوم دقیقاً از همین نقطه، اهمیت پیدا می‌کند؛ جایی که اینترنت دیگر فقط یک ابزار ارتباطی نیست بلکه بخشی از زیرساخت علمی و اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

استانداردهای ضدحریق به‌طور جدی رعایت شود. نتیجه، ساختمان‌هایی است که در شرایط عادی زیبا و براق به‌نظر می‌رسند اما در لحظه بحران مانند هیمنی عمیق عمل می‌کنند. اندیشه، پرند، پردیس و دهها شهر اقماری دیگر طی دو دهه اخیر با انبوهی از مجتمع‌های تجاری و اداری رشد کرده‌اند؛ سازه‌هایی که بسیاری از آنها در دوره رونق ساخت‌وساز با حداقل نظارت و حداکثر سود اقتصادی شکل گرفتند. ارغوان حالا به نمادی از این توسعه شتاب‌زده تبدیل شده است.

مرگ در عصر عادی یک روز معمولی

شاید تلخ‌ترین بخش ماجرا، عادی بودن همه چیز پیش از حادثه بود. مردمی که برای خرید آمده بودند، کارمندانی که پشت میز نشسته بودند، مریبان باشگاه‌های ورزشی و منشی جوانی که احتمالاً فکر نمی‌کرد چند دقیقه بعد نامش در فهرست قربانیان ثبت شود.

برود، خودمان بگیریم؟» در چنین شرایطی، اینترنت برای شهروند عادی روزبه‌روز محدودتر و گران‌تر می‌شود اما همزمان بسته‌های خاص و دسترسی‌های ویژه در حال گسترش هستند؛ وضعیتی که تصویر روشنی از شکاف دیجیتال در جامعه ایجاد کرده است.

نباید اینترنت باز شود

در سوی دیگر ماجرا، جریان‌های تندرو آشکارا از تداوم محدودیت‌ها دفاع می‌کنند. روح‌الله مومن‌نسب، دبیر ستاد امر به معروف تهران، اخیراً تأکید کرده که اینترنت «نباید به وضعیت قبل بازگردد» و خواستار تدوین «نظام حقوقی جدید اینترنت» شده است. همزمان برخی نمایندگان مجلس نیز بازگشت اینترنت بین‌الملل به وضعیت پیشین را به پایان شرایط امنیتی و تصمیم‌نهادهای بالادستی منوط کرده‌اند. مجموعه این مواضع، نگرانی‌ها درباره دائمی شدن الگوی اینترنت کنترل‌شده و طبقاتی را افزایش داده است.

بحران اجتماعی قطع ارتباط

اما مسأله اینترنت در ایران فقط اقتصادی یا فناورانه نیست. جامعه‌ای که ماه‌هاست زیر فشار جنگ، تورم، نااطمینانی و فرسایش روانی قرار دارد اکنون با محدود شدن مهم‌ترین ابزار ارتباطی خود نیز روبه‌رو شده است. برای میلیون‌ها نفر، اینترنت فقط ابزار سرگرمی نیست؛ محل کار، ارتباط اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و حتی راهی برای حفظ تعادل روانی است. محدود شدن این فضا، در شرایطی که جامعه همزمان با بحران‌های متراکم اقتصادی و اجتماعی مواجه است، احساس انزوا و بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. هشدار وزیر علوم نیز دقیقاً به همین نقطه اشاره دارد؛ اینکه تبعیض در دسترسی به اینترنت فقط یک مسأله فنی نیست بلکه می‌تواند به عاملی برای افزایش ناراضیاتی اجتماعی تبدیل شود. نگرانی از اینکه ادامه این وضعیت بیش از آنکه امنیت ایجاد کند به فرسایش اعتماد عمومی منجر شود. امنیت فقط با محدودسازی و انسداد تعریف نمی‌شود. جامعه‌ای که احساس کند، دسترسی به جهان بیرون به امتیازی ویژه برای گروهی خاص تبدیل شده بیش از هر چیز با بحران بی‌اعتمادی مواجه خواهد شد. شاید به همین دلیل است که حالا پرسش اصلی فقط زمان وصل شدن اینترنت نیست؛ بلکه این است که آیا اینترنت در ایران آینده یک «حق عمومی» خواهد بود یا امتیازی محدود برای گروهی خاص!





سازندگی:

روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سرمدیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عظیمیانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاد، امیر اقتناعی • مدیرفنی: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان
ویراستار: سیدعلی آریزفر • حرف‌چین: سحر خسروچرندی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸ ک، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۹۳۳۰۰۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۵۶۹۲-۰۵۰۳۱۲۰۰۵۰۴۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶
به صورت سلسله ایدی از مالک رسمی (جواد باباگردی) به متقاضی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۵۰۰۳۷۸
تقاضای آقای علی مراد قلی آخر به شماره شناسنامه ۲۲۶۰۱۳۸۴۹۷
و کد ملی ۲۲۶۰۱۳۸۴۹۷ صادره از علی اباد - فرزند حسن - در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۸۷ متر مربع مفروزو مجزا شده از پلاک شماره ۳۵۴۴ فرعی از ۱۹ - اصلی - واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک علی اباد کنول - خیابان ۲۰ متری پاسداران - و به استناد نامه شماره ۱۴۰۴/۰۳/۳۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۳۱ اداره ثبت اسناد علی اباد و نامه شماره ۱۴۰۴/۲۲۹۶/۱۹۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ اداره راه و شهرسازی علی اباد کنول تأیید گردید. مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه محلی و کثیرالانتشار آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

م‌الف: ۷۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۵۵۶۵-۰۵۰۳۱۲۰۰۵۰۴۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴
به صورت سلسله ایدی از مالک رسمی (علی رخشانی) به متقاضی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۵۰۰۸۹۱
تقاضای آقای محسن رخشانی به شماره شناسنامه ۱۸۴ و کد ملی ۴۹۷۹۹۵۶۰۶۸ صادره از فرزند علی - در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۶۰۸ متر مربع مفروزو مجزا شده از پلاک ۲۴ فرعی از ۴۷ - اصلی - واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک علی اباد کنول - روستای پیرواش - و به استناد نامه شماره ۱۴۰۴/۱۲۹۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ اداره ثبت اسناد علی اباد و نامه شماره ۱۵۲۲۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ اداره جهاد کشاورزی آق قلا تأیید گردید. مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه محلی و کثیرالانتشار آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

م‌الف: ۷۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۵۵۷۴-۰۵۰۳۱۲۰۰۵۰۴۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵
به صورت سلسله ایدی از مالک رسمی (علی رخشانی) به متقاضی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۵۰۰۸۸۸
تقاضای آقای محسن رخشانی به شماره شناسنامه ۱۸۴ و کد ملی ۴۹۷۹۹۵۶۰۶۸ صادره از فرزند علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۲۲۹ متر مربع مفروزو مجزا شده از پلاک ۲۴ فرعی از ۴۷ - اصلی - واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک علی اباد کنول - روستای پیرواش - و به استناد نامه شماره ۱۴۰۴/۱۲۹۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ اداره ثبت اسناد علی اباد و نامه شماره ۱۵۲۲۹۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ اداره جهاد کشاورزی آق قلا تأیید گردید. مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه محلی و کثیرالانتشار آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. م‌الف: ۷۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۸۵-۱۴۰۵۰۳۱۶۰۱۴۰۰۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۷۲۱-۱۴۰۵۰۳۱۶۰۱۴۰۰۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۱۴۰۴/۲۲۸۵۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۱
موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حبیب اعظمی قره تپه فرزند قربانعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۹۲/۱۶ مترمربع بشماره پلاک ۱۲۷۳ فرعی از ۵۹ - اصلی اراضی قره تپه بخش ۱۸ ثبت بهشهر مستند مالکیت سهم الارث به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۵۹۳۲۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
محمدحسن صادقی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۱۴۰۴/۲۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۰
موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای رضا عموتی فرزند حسینعلی نسبت ۲۳۰ میر عرصه وششدانگ اعیان یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۰۹۰۲۸ مترمربع بشماره کلاسه ۱۴۰۴/۳۷۹۲۲ قسمتی از پلاک ۴۴ - اصلی اراضی التپه بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیر رسمی زینب سرخو حسین آبادی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۱۵۹۵۲۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
محمدحسن صادقی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۷۲۱-۱۴۰۵۰۳۱۶۰۱۴۰۰۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۷۲۱-۱۴۰۵۰۳۱۶۰۱۴۰۰۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
مجتبی گلچین رئیس اداره ثبت اسناد و املاک علی آباد کنول از طرف سید علی اکبر حسینی

شناسه آگهی: ۲۱۷۱۳۱۵ نوبت اول

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران (مناقصه شماره AA/۱۶/۱۴۰۴) به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۵۰۹۱۶۴۵۰۰۰۰۰۸

موضوع: خرید تجهیزات رایانه ای

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع فوق را با در نظر گرفتن شرایط کلی مشروحه زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران واجد شرایط واگذار نماید:
الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRANIR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطر نشان می‌سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت، امکان ثبت نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه‌گران فراهم می‌باشد.
شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۱۴۵۶ می‌باشد. اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان‌ها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRANIR) بخش «ثبت نام/ پروفایل تأمین کننده/ مناقصه‌گر» موجود است.
ب) شرح کالا: تجهیزات رایانه ای مطابق با مشخصات اعلام شده و اسناد مناقصه به صورت دو مرحله ای
ج) محل و مدت زمان تأمین کالا: زمان تأمین کالا (از آغاز قرارداد تا تحویل کالا) ۶ ماه و محل تحویل کالا (تهران) می باشد.
د) بر آورد مناقصه گزار: ۴۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (چهارصد و چهل میلیارد ریال)
ه) معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه‌گران با لحاظ آخرین ویرایش ابلاغی طی تصویب نامه شماره ۹۳۸۷۲/ت ۵۷۸۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ هیات محترم وزیران هیات محترم وزیران به شرح جدول ذیل می باشد:
کلیه مناقصه گران مکلفند آگهی حاضر و جداول مرتبط با ارزیابی ساده که در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) و سایت شرکت پایانه‌های نفتی ایران به نشانی WWW.IOTCO.IR موجود می باشد را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) دریافت و ضمن تکمیل، مهر و امضای آن‌ها (با در نظر گرفتن توضیحات بند ح آگهی حاضر) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد و مدارک ذکر شده در این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) تغذیه نمایند.

۱- توان مالی: ۳۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴- استانداردهای تولید: ۱۵ امتیاز
۲- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۱۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۱۵ امتیاز
۳- تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶- حسن سابقه: ۱۵ امتیاز

تذکره ۱: حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می‌باشد.
تذکره ۲: به منظور بررسی معیار تجربه جهت معادل سازی مبالغ قراردادی، با استفاده از نرخ تورم اعلامی از مراجع قانونی، مبالغ قراردادی به روز رسانی گردیده و ملاک سنجش قرار خواهد گرفت.
و) شرایط مناقصه گران متقاضی:
۱- داشتن تجربه در انجام خدمات مورد نیاز، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی انجام کار مطابق با استانداردهای

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۱۷۲۷-۰۱۰۳۱۶۰۰۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خادم هوشنگ دره ویسی فرزندکریم بشماره شناسنامه ۱۵۴ صادره از کرمانشاه منتهی برصدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۷۰/۱۴ متر مربع علی اباد ۱۹۵ اصلی روستای بریموند بخش یک حومه خرمباری از مالک رسمی آقای اختم علی دره ویسی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۵۵۰/۰
آیت اله زارع - رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۱۸۸۳-۰۱۰۴۵۰۳۰۱۰۴۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳
تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم داود جعفری فرزند کاظم بشماره شناسنامه ۵۹۸۰ صادره از کن در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۱۶۲/۶۰ متر مربع پلاک ۶۳۶ فرعی از ۲۱۰۶ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴
رئیس ثبت اسناد و املاک رودکی تهران - امید ملک
شناسه آگهی: ۲۱۶۹۵۱۰

تجدید مناقصه

شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه های نفتی ایران

رایج صنعت نفت.
۲- توانایی ارایه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بیست و دو میلیارد ریال) حسب آیین‌نامه شماره ۱۳۳۴۰۲ ات ۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران و همچنین تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه. در ضمن تضامین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آیین‌نامه مذکور ارایه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد، معذور بوده و هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. همچنین از هر صورت وضعیت مناقصه‌گر برنده، ده درصد تحت عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می‌گردد.
۳- داشتن سابقه کار مفید و مرتبط با خدمات مورد نظر
۴- داشتن نیروهای متخصص در حوزه‌های فنی، اجرایی، برنامه‌ریزی، اداری، مدیریتی و همچنین تجهیزات مناسب مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت.
۵- دارا بودن شخصیت حقوقی
۶- ارایه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی
۷- ارایه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء
۸- ارایه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی
۹- دارا بودن گواهینامه با رتبه حداقل ۲ در رسته سخت افزار(رشته تولید و ارایه قطعات و ملزومات یا رسته تولید و ارایه رایانه های غیر Main Frame) از شورای عالی انفورماتیک کشور
۱۰- دارا بودن مجوز تأیید صلاحیت از سازمان حراست صنعت نفت
۱۱- دارا بودن گواهینامه(مجوز) معتبر از مرکز افتای ریاست جمهوری در حوزه نصب و پشتیبانی محصولات فتا(فضای تبادل اطلاعات) (ز) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارایه پیشنهاد به مدت ۹۰ روز می‌باشد.
ح) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:
۱- با عنایت به ابلاغیه شماره ۹۲۵/۱۱۴۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید مؤکد بر الزام بکارگیری اعضای الکترونیکی اسناد و جداول ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم)، کلیه مناقصه‌گران موظف می‌باشند تمامی اسنادو جداول ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) را با امضاء الکترونیکی به همراه کپی ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، در موعد مقرر در اسناد مناقصه، از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند. در غیر اینصورت مناقصه‌گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش از موعد معذور خواهد بود.
۲- کلیه مناقصه‌گران واجد شرایط می‌توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و حداکثر ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با رعایت مفاد بند فوق) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهینامه‌های ذکر شده در آگهی، نسبت به تغذیه اسناد پیش‌گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند. همچنین مناقصه‌گران می‌توانند جهت رؤیت آگهی به سایت‌های WWW.SHANA.IR، WWW.IOTCO.IR و WWW.IEETS.MPORG.IR مراجعه نمایند.
تذکر: مناقصه‌گزار در قبول یا رد مدارک مناقصه‌گران در تمام مراحل مطابق با قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مختار خواهد بود.